



فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام - سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۸

صص ۱۰۵-۷۶

## ظرفیت‌های راهبردی جهان اسلام در هندسه جهانی قدرت

دکتر زکریا کاظم پور - مدرس دانشگاه، پژوهشگر مرکز مطالعات آینده دانشگاه صنعتی امیرکبیر، تهران، ایران.

جواد معدنی\* - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۵

### چکیده

فضای چندگفتمانی و چندپارگی، ورود قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی به بازی ائتلاف قدرت یا ائتلاف گفتمانی و تلاش آن‌ها برای بازسازی و برسازی خود به منظور کسب سهم بیش‌تر در نظام آتی بین‌الملل، حکایت از آن دارد که جهان در این پیچ تاریخی، آستان شکل‌گیری نظامی سیال و شاهد تغییراتی در دوران گذار از نظام بین‌الملل وستفالیایی به عصر پسا وستفالی است.

با افول قدرت‌های جهانی و هژمونی غرب و به ویژه ایالات متحده آمریکا در سال‌های اخیر از یک طرف و رشد قدرت‌های منطقه‌ای از طرف دیگر، تحول و تغییر در مناسبات قدرت در سطح بین‌الملل، مشهود و ظهور یافته است و چندجانبه‌گرایی در حال شکل‌گیری است و نشانه‌های بروز نظام نوین چندوجهی در مقابل نظام یک‌جانبه‌گرایی سلطه، اکنون برجسته شده است. جهان اسلام که نقطه مرکزی آن در منطقه جنوب‌غرب آسیا واقع شده است از جمله تمدنی است که از ظرفیت‌های ژئواستراتژیک، ژئوکالچر، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده که می‌تواند آن را در معادلات و مناسبات بین‌المللی در جایگاه شایسته‌ای قرار دهد و وضعیت آن را ارتقاء دهد.

بنابراین تلاش شده ظرفیت‌های متعدد جهان اسلام مورد بررسی قرار گیرد و تحقیق انجام شده در پی پاسخ به این موضوع است که جهان اسلام دارای چه منابعی از قدرت است که می‌تواند بر ارتقاء و تکوین قدرت آن تأثیر گذاشته و سبب نقش پررنگ جهان اسلام در معادلات جهانی گردد. شایان ذکر است که گردآوری داده‌ها نیز عمدتاً از طریق کتابخانه‌ای و بانک اطلاعاتی صورت گرفته و از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

کلید واژگان: جهان اسلام، ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچر، قدرت جهانی.

E-mail: Javad2258@Gmail.com

نویسنده عهده‌دار مکاتبات

## ۱. مقدمه

با اقبال کشورهای مختلف جهان برای شکل دادن به نظام‌های منطقه‌ای، مفاهیم، دیدگاه‌ها و الگوهای دربارۀ نحوه شکل‌گیری قدرت در این نظام‌ها مطرح شده است. اگرچه کیفیت رفتار و نحوه تعاملات آنها با یکدیگر از اهمیت قابل توجهی برخوردار است، اما تعیین و سطح‌بندی قدرت‌های منطقه‌ای درجه یک، درجه دو و ... خود کمک شایانی به بررسی دیدگاه‌ها و الگوهای فوق می‌کند. روش تعیین و سطح‌بندی قدرت‌های منطقه، مستلزم شناخت کشورهای قانونی و پیرامونی است. برای شناخت سطوح قدرت کشورها در یک رابطه سلسله‌مراتبی، سنجش وزن ژئوپلیتیکی و قدرت ملی آنها ضروری است. دولتی که بیش‌ترین وزن را داشته باشد، قدرت تراز اول منطقه به شمار می‌آید و در جایگاه رهبری و کنترل منطقه‌ای قرار گرفته و در امور منطقه اعمال نفوذ می‌کند. پس از آن سطوح پایین‌تر قدرت، جانب احتیاط را رعایت کرده و با توجه به این واقعیت روابط خود را با آن تنظیم می‌کنند. کوهن<sup>۱</sup>، کشورهای جهان را از نظر سطوح قدرت در پنج گروه از قدرت درجه اول تا درجه پنجم دسته‌بندی می‌کند. به نظر این محقق غربی، قدرت‌های درجه اول، توانایی اعمال نفوذ در سطح جهانی را داشته و عبارتند از: ایالات متحده، اروپا، روسیه، چین و ژاپن. قدرت‌های درجه سوم کشورهایی هستند که در حوزه‌های کوچک‌تری در منطقه ژئوپلیتیکی با هم رقابت دارند. این رقابت‌ها در زمینه‌های ایدئولوژیکی و سیاسی با در اختیار گرفتن منابع منطقه است، اما این کشورها به علت قلت توانایی‌های اقتصادی، جمعیتی یا نظامی، قادر به رقابت با قدرت‌های سطوح بالاتر نیستند. قدرت‌های درجه چهارم، تنها در جهت تأثیرگذاری بر همسایگان خود تلاش می‌کنند. قدرت‌های درجه پنجم، کشورهایی هستند که حوزه نفوذشان صرفاً در محدوده جغرافیایی و محیط ملی خودشان است.

کوهن قدرت‌های منطقه‌ای را در شمار قدرت‌های درجه دوم قلمداد می‌نماید. تعیین قدرت برتر در یک منطقه از جهان کار چندان ساده‌ای نیست و این امر علاوه بر احتساب و مقایسه برآیند عناصر دخیل در قدرت ملی و منزلت ژئوپلیتیکی کشورها در سطح جهانی، به اهمیت و

اعتبار آن منطقه در سیاست‌های جهانی هم بستگی دارد (Afshardi et al, 2016: 118). تمدن محصول باورها، نگرش‌ها، احساسات و رفتارهای انسان و ترکیبی از عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است. تمدن نوین اسلامی به عنوان نوع خاصی از تمدن‌گرایی علی‌رغم وجوه اشتراک با سایر تمدن‌ها در عناصر مادی، در مؤلفه‌های نرم‌افزاری و معنوی تفاوت آشکاری با سایر تمدن‌ها دارد و دارای ویژگی‌های اختصاصی و منحصر به فرد است (Abdolmaleki et al, 2017: 115).

به لحاظ سیاسی، جهان اسلام می‌تواند برای خود نقش یک قدرت جهانی را تعریف نماید و بدین ترتیب زمینه‌ای را فراهم آورد که منافع کلیه کشورهای اسلامی عضو از ناحیه تعریف و تأسیس «اتحادیه کشورهای اسلامی»<sup>۱</sup> حاصل آید. تأسیس «اتحادیه کشورهای اسلامی» هدفی بزرگ در حد و اندازه نظام‌های منطقه‌ای ارزیابی می‌شود که به گمان بسیاری به عنوان کارآمدترین بدیل ساختاری برای نظم نوین جهانی در قرن حاضر مطرح است. از این منظر بازیگران ملی با بازتعریف خود در قالب «بلوک‌های قدرت منطقه‌ای» به ایفای نقش پرداخته و تلاش می‌کنند تا در ساختار نظام جهانی، جایگاه منطقه‌ای خود را ارتقاء بخشند. به عبارت دیگر، در چارچوب این دیدگاه، سیاست آینده جهان، مناطق و نه قدرت‌های ملی و نه حتی قدرت‌های هژمونیک خواهد بود. جامعه‌ای که انبیاء الهی و قرآن کریم در صدد تشکیل آن بوده‌اند، واحد به هم پیوسته حقیقی است که مفهومی بسیار فراتر از قوم، ملت و دولت دارد. در قرآن کریم تشکیل امت واحد به منزله زمینه و بستر عبادت واقعی «الله» معرفی شده است (إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ).<sup>۲</sup> تمامی مشرب‌های فلسفی، عرفانی، اخلاقی و کلامی و تربیتی اسلام، وحدت‌نگری در عالم هستی و اجزاء آن را جزئی تفکیک‌ناپذیر از نحله خویش قرار داده‌اند (Safavi, 2008: 20). یکی از مهم‌ترین پیامدهای عقلانی وحدت جهان اسلام، استفاده از ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی اقتصادی، دفاعی، امنیتی، نظامی و فرهنگی جهان اسلام به منظور دستیابی به اهداف نظام در حوزه‌های مختلف است. بر اساس آموزه‌های علم

---

## 1. Union of Islamic Countries

سیاست و روابط بین‌الملل، مهم‌ترین دغدغه حرف‌های دولت‌مردان و سیاست‌گذاران، چگونگی فراهم نمودن زمینه‌های افزایش قدرت و ثروت است. از منظر روش‌شناسی واقع‌گرایانه، امروز افزایش ثروت و قدرت دولت و ملت‌ها از متغیرهای مستقل بسیاری اثر می‌پذیرد. با توجه به اهمیت بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود جهان اسلام برای رسیدن به وحدت امت اسلامی، فهم مزیت‌های نسبی موجود در عرصه مناسبات بین‌المللی برای استفاده از ظرفیت‌های بالقوه در میان کشورهای اسلامی ضروری است. جهان اسلام دارای ویژگی‌ها و ظرفیت‌هایی است که آن را به عنوان یک نیروی تأثیرگذار در نظام جهانی و شکل‌دهنده معادلات بین‌المللی ارتقاء داده است. برخی از صاحب‌نظران معتقدند جهان پس از فروپاشی نظام دو قطبی که بر مبنای واحدهای سیاسی قدرتمند بوده، جای خود را به واحدهای تمدنی داده و تمدن‌ها یا فرهنگ‌ها بازیگران اصلی سیاست بین‌الملل را تشکیل می‌دهند. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که تمدن اسلامی از جایگاه ویژه‌ای در نظام نوین جهانی برخوردار است. از این منظر بررسی ظرفیت‌های جهان اسلام، جایگاه و موقعیت آن را در نظام بین‌المللی نشان خواهد داد.

## ۲. بیان مسئله

در این جهان چند قطبی، مجموعه جهان اسلام نیز از ظرفیت‌های مهمی برخوردار است. اگر آمریکا را قدرتی چهار بعدی، چین قدرت اقتصادی، اروپا را سیاسی و روسیه را قدرتی نظامی در نظام بین‌الملل آینده بدانیم، جهان اسلام نیز در جایگاه یک قطب مهم و از جایگاهی فرهنگی تمدنی صاحب نقش است. بایستی توجه داشت که نظام بین‌الملل را نبایستی صرفاً از سطح تحلیل دولتی‌هایی ملی تبیین کرد، بلکه با توجه به پیدایی فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و افزایش نقش افکار عمومی، فرهنگ و تمدن‌های منقبض شده در حال احیاء می‌باشند؛ بنابراین با فرض جهان چند قطبی در نظام بین‌الملل آینده بایستی نقش فرهنگی تمدن‌ها را نیز در کنار دولت‌های ملی متأثر از فرآیند جهانی شدن در نظر داشت. از همین منظر نیز جهان اسلام در سطح یک قطب قدرتمند تمدنی - فرهنگی قابل اعتنا است.

این مجموعه با توجه به مسائل تاریخی، تمدنی و فرهنگی و با داشتن کشورهای قدرتمند، جمعیت بالا، ظرفیت‌های انرژی و منابع کمیاب، ژئوپلیتیک و مسائل راهبردی، ظرفیت‌های

مهمی را داراست (Jahanbin et al,2015:156).

موضوع همگرایی در جهان اسلام و نیاز به اتحاد و اتفاق نظر میان مسلمانان از مهم‌ترین ضروریات جوامع اسلامی در عصر حاضر است. حفظ منافع و امنیت کشورهای اسلامی در پناه یکپارچگی ملل و دولت‌های آنها است و هویت اجتماعی فرهنگی آنها ایجاب می‌کند که از تمام فرقه‌ها و نحله‌ها، دوشادوش یکدیگر برای حفظ کیان اسلام به پا خیزند. شرایط و مقتضیات زمان، اشتراک در اهداف دینی، انسانی، منافع اقتصادی و مصالح سیاسی از مهم‌ترین علل ایجاد کننده «اتحاد جهان اسلام» در زمان حاضر است (Safavi,2008:147). طبق گفته دانشمندان، موقعیت جغرافیایی جهان اسلام در کره زمین به مثابه قلب جهان است و منابع انسانی موجود در جهان اسلام نزدیک به یک چهارم جمعیت جهان است. همه این منابع، جهان اسلام را به یک نیروی دارای توان رقابت با سازمان‌ها و اتحادیه‌های اقتصادی بزرگ جهان تبدیل کرده است. مرزهای فرهنگی دنیای اسلام نیز بخش وسیعی از جهان را دربر گرفته است. از نظر استراتژیک هم جهان اسلام در حیاتی‌ترین نقطه کره زمین، یعنی مرکز خشکی‌های زمین و تلاقی راه‌های خشکی و دریایی قرار گرفته است. امروز بسیاری از مسائل راهبردی نظم جهان، با ژئوپلیتیک و هویت دنیای اسلام مرتبط است. بر این اساس در نظم در حال گذار موجود که رویکرد آینده آن متمایل به رویکرد چندقطبی است، دنیای اسلام به عنوان یکی از قطب‌های بالقوه، دارای ظرفیت‌های مهم و هم تهدیدات اساسی است که لازم است با تشریح آن نقش آتی اسلام در نظام بین‌الملل آینده را به صورت نسبی آینده‌پژوهی و تبیین کرد.

### ۳. مفاهیم و روش تحقیق

تحقیق انجام شده در پی پاسخ به این موضوع است که جهان اسلام دارای چه منابعی از قدرت است که می‌تواند بر ارتقاء و تکوین قدرت آن تأثیر گذاشته و سبب نقش پر رنگ جهان اسلام در معادلات جهانی گردد. در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است و ضمن تعریف مفاهیم به کار گرفته شده، گردآوری داده‌ها به طور عمده از طریق روش کتابخانه‌ای و بانک اطلاعاتی صورت گرفته است.

### ۳-۱. مفاهیم

**مفهوم جهان اسلام:** جهان اسلام از نظر جغرافیایی شامل سرزمین‌های وسیعی می‌باشد که بدنه اصلی آن به شکل مستطیلی از کرانه‌های اقیانوس اطلس و تا جنوب غربی و شمال شرقی آسیای مرکزی ادامه می‌یابد و واحدهای کوچک‌تری چون آلبانی را نیز شامل می‌شود. غربی‌ترین کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی کشور گویان در قاره آمریکا و شمال آمریکای جنوبی و شرقی‌ترین آن، کشور اندونزی واقع در جنوب شرقی آسیاست. شمالی‌ترین کشور قزاقستان واقع در آسیای مرکزی و جنوبی‌ترین کشور اسلامی، موزامبیک در جنوب قاره آفریقا است (Sadeghi et al, 2010:3).

**مفهوم قدرت<sup>۱</sup>:** جوزف نای بر پایه سنت متداول، قدرت را این گونه تعریف می‌کند: توانایی در تأثیرگذاری بر رفتار دیگران جهت انجام دادن یا ندادن کاری که بر خلاف خواست آنهاست.

به نظر وی چندین راه برای تأثیرگذاری بر کنش‌ها و رفتار دیگران وجود دارد. نخست، مجبور کردن آنان با تهدید؛ دوم، تطمیع و اغوای آنان با پرداخت پول و پاداش؛ و سوم، از طریق جذب کردن، همدست شدن و «همکار» نمودن. از آنچه گذشت نتیجه می‌گیریم که قدرت از چهره‌ها، ابعاد، انواع و اشکال مختلف و متعددی برخوردار است که در تعاریف سنتی، به ویژه رئالیستی، مورد توجه قرار نمی‌گیرد (Dehghani Firouzabadi, 2008:34).

**مفهوم ژئوپلیتیک:** ژئوپلیتیک مرکب از دو واژه «ژئو» به معنای زمین و «پلیتیک» به معنای سیاست است. در فارسی، معادل‌هایی همانند «سیاست جغرافیایی»، «علم سیاست جغرافیایی» و «جغرافیا سیاست شناسی» برای آن ذکر شده است. در انگلیسی، به آن «جیوپالیسیکس»<sup>۳</sup> اطلاق شده است (Montazan, 2016 201). در یکی از جامع‌ترین تعاریف، می‌توان ژئوپلیتیک را علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت، سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر دانست (Ahmadi et al, 2016:4). سائول برنارد کوهن<sup>۴</sup> ژئوپولیتیسین آمریکایی، در تعریف

1.Power

2.Co opt

3.Geopolitics

4.Saul Bernard Cohen

ژئوپلیتیک می‌نویسد: «ژئوپلیتیک به عنوان تحلیل تعامل میان زمینه‌های جغرافیایی و دیدگاه‌های مرتبط با آن از یک سو و فرآیندهای سیاسی از سوی دیگر تعریف می‌شود». پیتر تیلور می‌گوید: «ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان، به ویژه رقابت بین قدرت‌های بزرگ و اصلی» (Golkarami et al, 2017:40).

**مفهوم ژئواکونومیک**<sup>۲</sup>: ادوارد لوتواک<sup>۳</sup> در سال ۱۹۹۰ میلادی پارادایم ژئواکونومی را با مفهوم گسترده‌ای وارد علوم جغرافیایی و سیاسی کرد. از ویژگی‌های دوران حاکمیت ژئواکونومی، اهمیت اقتصاد در عرصه جهانی و تشکیل گروه‌بندی‌های منطقه‌ای بر بنیاد اقتصاد است. این رویکرد از ترکیب سه عامل جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته و بررسی روابط جغرافیا، قدرت و اقتصاد و تعامل این سه عنصر را برای کسب قدرت دولت‌ها مطالعه می‌کند (Zarqani et al, 2012:2).

**مفهوم ژئوکالچر**<sup>۴</sup>: که بیانگر چهارچوب فرهنگی‌ای هست که نظام‌ها، مکتب‌ها و ایدئولوژی‌ها در محدوده آن عمل کرده و اثر می‌گذارد و مقدمات و مبانی فکری خود را نه در محدوده ملی و محلی بلکه در یک جغرافیای فرهنگی منتشر می‌سازند. در ژئوکالچر تمرکز فعالیت‌ها بر فرهنگ به جای سیاست و اقتصاد استوار است. مؤلفه‌هایی چون دعوت فرهنگی، تبلیغ، نشان دادن کارآمدی، نشان دادن توانایی تولید سرمایه فرهنگی و اجتماعی و رابطه‌های معنوی، فرهنگی و مقاومت به جای زور و سیطره و استعمار استفاده می‌شود (Ezzati, 2009:45).

**مفهوم ژئواستراتژی**<sup>۵</sup>: ژئواستراتژی علم کشف روابط استراتژی و محیط جغرافیایی است که به تعیین قلمرو جغرافیایی استراتژی‌های نظامی به منظور هدایت صحیح عملیات نظامی می‌پردازد. ژئواستراتژی در حقیقت علمی است که نقش عوامل محیط جغرافیایی را در تدوین استراتژی‌ها به طور اعم و استراتژی‌های نظامی به طور اخص مطالعه می‌کند (Zarqani et al,

- 
1. Peter Taylor
  2. Geoeconomic
  3. Luttwak
  4. Geoculture
  5. Geostrategy

(2012:2).

#### ۴. رویکرد نظری

ژئوپلیتیک: رودلف کلین<sup>۱</sup>، اصطلاح ژئوپلیتیک را برای اولین بار، در معنای نقش عوامل جغرافیایی در تعیین رفتار ملی به کار برد. در خصوص نظم‌های منطقه‌ای، تعاریف غالب از ژئوپلیتیک، بر نقش تعیین بخش عوامل جغرافیایی منطقه‌ای بر سیاست خارجی و قدرت کنشگران سیستم بین‌الملل و نقش آن در چرخه جهانی و منطقه‌ای قدرت تأکید می‌کنند. اسپایکمن<sup>۲</sup> اهمیت عامل جغرافیا را این‌گونه بیان می‌کند: «جغرافیا اساسی‌ترین عامل در سیاست خارجی است؛ زیرا پایدارترین است».

به طور کلی جایگاه ژئوپلیتیک نظم منطقه‌ای به نقش منطقه در چرخه جهانی قدرت اشاره دارد. در این راستا مکیندر<sup>۳</sup> بر نقش منطقه «هارتلند»<sup>۴</sup> و اسپایکمن بر نقش منطقه «ریملند»<sup>۵</sup> در چرخه جهانی قدرت تأکید می‌کنند (Ghasemi et al, 2016:8).

علم منابع قدرت و رقابت قدرت است و از این رو منابع قدرت‌آفرین همواره از مهم‌ترین موضوعات آن محسوب می‌شود. دریاها به دلیل اهمیت اقتصادی آن همواره در طی تاریخ مورد توجه حاکمان کشورهای ساحلی بوده است. پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و ساخت کشتی‌های اقیانوس‌پیما، دریاها و اقیانوس‌ها را به یکی از مهم‌ترین منابع قدرت کشورها تبدیل کرد و صاحب‌نظران بی‌شماری به تبیین نقش راهبردی دریاها در قدرتمند شدن کشورها پرداختند. نگاهی به ساختار قدرت در جهان در طی چهار قرن اخیر نشان می‌دهد که قدرت برتر نظام ژئوپلیتیک جهانی در طی این چهار قرن، همواره کشورهایی بوده‌اند که به دریاها دسترسی داشته و بر آب‌های آزاد سلطه داشته‌اند. ژئوپلیتیک، دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ حکومت‌ها و گروه‌های سیاسی است که در صدد کسب قدرت و تصرف ابزارها، اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی هستند که به آنها قدرت و امکان چیرگی بر رقیب را می‌دهد. آنها

1. Rudolf Klein

2. Espaikman

3. Mackinder

4. Hartland

5. Rimland



برای تصرف فرصت‌ها و مقدورات در مکان و فضای جغرافیایی به رقابت پرداخته و تلاش می‌کنند نفوذ خود را در فضاهاى جغرافیایی بیش‌تر توسعه دهند و آنها را به قلمرو اعمال اراده خود بیافزایند و برعکس، رقبا را از فضاهاى مورد منازعه برانند.

گونه‌شناسی سیاسی محیط ژئوپلیتیکی بازیگران سیاسی، تبیین‌کننده نوع راهبرد رقابت یا منازعه ژئوپلیتیکی آنهاست (Hafeznia et al,2012:201). در مجموع شاید بتوان هنر و علم استفاده از تمامی ظرفیت‌های جغرافیایی، اقتصادی، جمعیتی، فرهنگی، نظامی و ... برای کسب و حفظ قدرت را ماهیت اصلی ژئوپلیتیک دانست (Zarqani et al,2012:2).

**قدرت دریایی:** قدرت دریایی به مفهوم رایج آن برای نخستین بار در سال ۱۸۹۴ میلادی توسط آلفرد تایر ماهان دریادار و مورخ آمریکایی در کتاب معروف او تحت عنوان «تأثیر قدرت دریایی در تاریخ» مطرح شد (Zarqani et al,2012:4).

وی به طور کلی بر این اعتقاد است که شرایط اصلی بر اتحاد یک قدرت جهانی، تسلط بر دریاهاست. به عبارت دیگر، نظارت بر دریاها، اولین راه در کسب قدرت جهانی است. به نظر وی در راه کسب قدرت‌ها، نیروهایی که موقعیت دریایی دارند از امکانات بیش‌تری برای در دست داشتن ابتکار عمل برخوردار هستند. وی نیروی دریایی را به عنوان کلید قدرت جهانی مورد تأکید قرار داده است (Mehrabi,2016:92). عناصر قدرت دریایی از دیدگاه ماهان عبارتند از: الف) موقعیت جغرافیایی، ب) وضعیت طبیعی (آب و هوا و محصولات و منابع طبیعی و وضع سواحل)، ج) وسعت سرزمین، د) تعداد و ویژگی‌های جمعیت و خصوصیات دولت می‌باشد که، امروزه نیز به قوت خود باقی است. ماهان با ارائه ادله تاریخی محکم، روشن ساخت که ظهور و تداوم قدرت‌های بزرگ در جهان همواره با تکیه بر قدرت دریایی و از طریق برتری نسبی دریاها صورت گرفته است و در نهایت نتیجه گرفت که لازمه حکومت بر دنیا، حکومت بر دریاهاست. از واژه قدرت دریایی تعاریف متعدد و متنوعی شده و می‌شود و جامع‌ترین و به روزترین تعریف این است که: قدرت دریایی عبارت است از «مجموعه توانایی‌های یک ملت در استحصال منافع خویش از دریاها و اقیانوس‌ها با بکارگیری آب‌های

دنیا برای مقاصد سیاسی، اقتصادی و نظامی در زمان صلح و جنگ به منظور نیل به مقاصد و اهداف ملی. ماهان نیروی دریایی را به عنوان کلید قدرت جهانی مورد تأکید قرار داده است. به نظر او دریا‌های جهان بیش از آنکه سرزمین‌های جهان را از هم جدا کند آنها را به هم پیوند می‌دهند. بنابراین امپراطوری‌های ماوراءالبحر و دفاع از آنها به قدرت تسلط بر دریا بستگی دارد.

**تمدن اسلامی:** عموم تمدن‌ها با نام جغرافیایی محل تولد و رشد و نمو خود، خوانده می‌شوند که محدوده و ملیت واحدی را شامل می‌شدند. در کنار این‌ها تمدن اسلام وجود دارد که از معدود یا تنها تمدن دینی است که دین، سنگ‌آسیای شکل‌گیری آن می‌باشد؛ به همین جهت، ملیت‌های مختلف را در درون خود جای داد. تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که بسیاری از مؤلفه‌های آن بر محور دین اسلام می‌گردد. به دلیل وجود همین پسوند پرمیاه، از یک‌سو قابلیت تحدید زمانی و تعریف معنایی دارد؛ زیرا آغاز و انجامش تقریباً مشخص است و از سوی دیگر، دارای گستردگی مفهومی و موضوعی بسیاری است که همه پیچیدگی‌ها، ظرایف و جهان‌شمولی دین اسلام را به عنوان دینی الهی در خود دارد.

بدین ترتیب، تمدن اسلامی دارای همه ویژگی‌های تمدن الهی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) است و مؤلفه‌های آن دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و ... است (Janahmadi, 2007: 27). تمدن اسلامی که از بعثت پیامبر اسلام (ص) و از سرزمین حجاز منبعث شد، در کوتاه‌ترین زمان ممکن به گسترش چشم‌گیری نائل شد به گونه‌ای که از ضلع غربی آن تا اندلس، اسپانیا و پرتغال و کرانه‌های شرقی اقیانوس اطلس، از ضلع شرقی آن تا آسیای مرکزی، دیوارهای چین و سین کیانگ، از شمال تا بالکان و از جنوب تا کرانه‌های اقیانوس هند و آفریقای مرکزی گسترش یافت. مسلمانان در این بستر پهناور جغرافیایی با انگیزه اسلامی به بسط علم، فلسفه، هنر و اخلاق و سیاست پرداختند و از ویرانه‌های تمدن‌های پیشین بهره گرفتند و تمدن بزرگی را پایه‌ریزی نمودند و به جهانیان عرضه داشتند (Luben, 2008: 56). تمدن اسلامی با اساس نگرش توحیدی، تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد. مقصود از «ساخته‌ها»، آن بخش از حیات

تمدنی است که در شرایط عادی در جامعه وجود ندارد و انسان آن را می‌سازد. مراد از «اندوخته‌ها» نیز آن چیزی است که از انباشتن تجربه‌ها و داده‌ها، دانش‌ها، قراردادها و اختراعات گذشته جوامع بشری، تحت نفوذ حکومت اسلامی به جامعه اسلامی به میراث رسیده است. بنابراین، فرهنگ و تمدن اسلامی مجموعه‌ای از همه آداب و رسوم، اعتقادات و باورها، سنن، معارف، علوم اسلامی و ذخایر مشترک مادی و معنوی است که در میان ملت‌های مسلمان وجود دارد (Janahmadi, 2007: 27).

گذار از ژئوپلیتیک دولت‌محور به ژئوکالچر تمدن‌محور در قرن بیست و یکم، امری است که بیش از پیش واقعیت روابط بین‌الملل را در دنیای امروز به تصویر می‌کشد. نظریات ژئوپلیتیک سنتی هم‌چون هارتلند و ریملند را می‌توان در یک سیر تکاملی، ریشه ژئوکالچر امروز دانست و این امر، در یک خط سیر ژئوپلیتیک ژئوکالچر؛ از مکیندر تا هانتینگتون<sup>۱</sup> و برژینسکی<sup>۲</sup> امتداد می‌یابد. هانتینگتون معتقد به تأثیر هویت‌های فرهنگی بر سیاست است. در واقع او معتقد به سیاست هویتی است، نه سیاست منافع. او پس از نقد تئوری‌های رایج در روابط بین‌الملل، برای پایه‌گذاری تئوری خود و در تشریح درجه‌های تعلق هویتی، از سطوح خرد همچون ایدئولوژی، قومیت و دولت‌های ملی عبور کرده و به سراغ بالاترین سطح هویتی می‌رود که یک فرد ممکن است خود را با آن بشناسد و این سطح همان تمدن است. هانتینگتون در توضیح انواع تمدن‌ها و نحوه نبرد آنها، تمدن‌های مسلط عرصه جهانی را به ۸ گروه تقسیم می‌کند: تمدن‌های غرب، اسلامی، آمریکای لاتین، ارتدوکس (روسیه)، آفریقا، هندو، ژاپن و چین. از نظر وی، همه این تمدن‌ها دارای جمعیت مشخص و تاریخ خاص هستند و آنقدر قوی هستند که بتوانند فرهنگشان را در درگیری‌های ژئوپلیتیک وارد کنند. هانتینگتون همچنین سه بازیگر اصلی را اینگونه متمایز می‌کند: غرب، اسلام و چین. البته وی تمدن اسلام را خطرناک‌ترین تمدن در نزاع با تمدن غرب می‌داند، چرا که به اعتقاد وی اسلام تمدنی است که مدعی ارزش‌های جهان‌شمول است و مردم آن بر سیادت و برتری فرهنگ خود تأکید دارند. بنابراین از دید وی بیش‌ترین احتمال برخورد در بین تمدن‌های اسلام و غرب

1. Huntington

2. Brzezinski

است (Huntington, 1996:257-259).

### ظرفیت‌های راهبردی جهان اسلام

کشورهای اسلامی به طور عمده در سه قاره کره زمین قرار گرفته که همین موضوع سبب همسایگی با جهان مسیحیت در غرب و بودا و هندو در شرق گردیده است. از سوی دیگر این پراکندگی باعث شده بدنه اصلی جهان اسلام در مسیر ارتباطی خشکی و آبی بین دنیای شرق و غرب قرار گرفته و چون پلی حلقه اتصال شرق و غرب محسوب شود، در این میان واقع شدن تنگه‌های راهبردی در بین کشورهای اسلامی، این اهمیت راهبردی را چند برابر ساخته است (Sadeghi et al, 2010:3).

**ژئوکالچر جهان اسلام:** جمعیت ۱/۵ میلیارد نفری جهان اسلام دارای یک فرهنگ عبادی، الهی بر اساس یک خدا، یک کتاب (قرآن کریم)، یک پیامبر، یک قبله‌گاه، عبادات و مراسم مشترک حج، نماز، روزه و جهاد دفاعی هستند.

ارزش‌های فرهنگی ایدئولوژیک به واسطه تأثیرگذاری بر ادراک و احساسات نقش مهمی در ترغیب دیگران دارند. فرهنگ‌هایی که طرفدار مساوات و احترام به حقوق همه انسان‌ها هستند، بیش از فرهنگ‌های هوادار تبعیض، جذب دارند. این ارزش‌ها معمولاً با تولیدات مادی و غیرمادی عجین شده و ملت خاصی را معرفی می‌کنند. در تصور والراشتاین از ژئوکالچر در دوران جدید، کشمکش‌های بین‌المللی دیگر صرفاً ابعاد نظامی ندارند، بلکه واجد ابعاد فرهنگی و معنوی نیز هستند. ژئوکالچر به معنای اهمیت دادن به عناصری چون فرهنگ، زبان، قومیت و مذهب در کنار سایر عوامل ژئوپلیتیک است. در نظر او ژئوپلیتیک نوین ترکیبی از مفاهیم ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر است. نظام ژئوکالچر جهانی پیش از هر چیز یک سیستم سیاسی فرهنگی به شمار می‌رود که ساختار آن از فطرت نظام اجتماعی ناشی شده و در مقیاس جهانی عمل می‌کند. بنابراین عناصر اصلی آن را سیاست، فرهنگ و محیط جغرافیایی کره زمین تشکیل می‌دهند. شالوده نظام ژئوکالچر جهانی را قدرت فرهنگی تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر فرآیند ژئوکالچر محصول تعامل پیوسته نیروهای اجتماعی با یکدیگر به منظور ایجاد،

تداوم یا دگرگون ساختن یک نظام تمدنی فرهنگی از طریق به کارگیری شیوه‌های گوناگون اعمال قدرت می‌باشد (Taheri et al, 2018:72).

از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای نظام اسلامی نمی‌خواهد و نمی‌تواند با دو شیوه پلیسی و تزویر و تبلیغات اداره شود و بر این اساس «اعتماد و محبت مردم به نظام» از جایگاهی بنیادین در نظام اسلامی برخوردار است: «یک نوع نظام هم نظامی است که با محبت و عطف مردم اداره می‌شود. باید مردم را مورد محبت و احترام قرار داد و به آنها اعتنا کرد، تا به دستگاه حاکمه وصل باشند و پشت سرش قرار گیرند (www.khamenei.ir). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جمع دانشجویان بیان داشتند: «جزو چیزهایی که بنده اینجا یادداشت کرده‌ام به عنوان آرمان‌ها، یکی مسئله ایجاد جامعه اسلامی و تمدن اسلامی است؛ یعنی احیای تفکر اسلام سیاسی؛ اسلام آمده است که «الْإِطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ فقط هم اسلام نیست؛ همه پیامبران همین جورند. ادیان الهی آمده‌اند برای اینکه در جامعه پیاده بشوند، در جامعه تحقق واقعی پیدا کنند؛ این باید اتفاق بیفتد. یکی از مهم‌ترین آرمان‌ها این است» (www.khamenei.ir).

اساساً تمدن و فرهنگ در درون ملت‌ها با روح مذهب رشد یافته و گاه از راه مذهب موجودیت پیدا کرده است. تامس. اس. الیوت<sup>۲</sup> انگلیسی معتقد است هیچ فرهنگی نتوانسته است مستقل از یک مذهب پدیدار شود و گسترش یابد و چنین استدلال می‌کند که هر فرهنگ شاخصی محصول یک مذهب است، هم‌چنان که هر مذهبی نیز در گسترش و تعمیق خود از ظرفیت‌های یک فرهنگ خاص بهره برده است. هم‌چنین هر قدر یک مذهب جهان‌شمول‌تر باشد یا گرایش‌های جهانی بیش‌تری داشته باشد و بتواند معیارهای خود را بر شمار بیش‌تری از افراد دارای فرهنگ‌های مختلف تطبیق دهد، فرهنگ‌سازتر است. گراهام فولر<sup>۳</sup> با تلقی جدید از احیای مجدد اسلام معتقد است: «اسلام سیاسی یا اسلام‌گرایی (که به طور وسیع بر اساس این اعتقاد تعریف می‌شوند که قرآن و حدیث (سنت پیامبر) چیزهای زیادی برای گفتن در مورد نحوه اداره جامعه و کشورداری دارند) هم‌چنان به عنوان قدرتمندترین نیروی

۱. سوره نساء آیه ۶۴

2.Thomas S Eliot

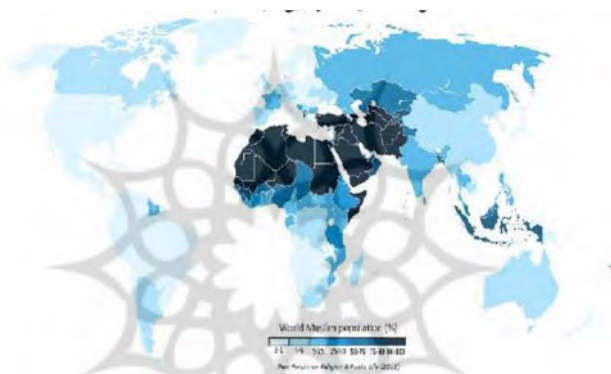
3.Fuller graham

ایدئولوژیک و اتحاد بخش در بخش وسیعی از جهان نفوذ دارد». در واقع جهان اسلام پس از یک دوره فترت بسیار طولانی از گذشته درخشان تمدنی، مجدداً در اواخر قرن بیستم و اوایل هزاره سوم با احیای مجدد و مبتنی بر پیوند دین و سیاست به سمت بازیابی تمدنی در حرکت است. به واقع تنها تمدن دینی جهان که همواره غرب را به چالش کشانده است و البته مهم‌ترین تمدنی نیز بود که بر اروپا تأثیر گذاشت، امروزه نیز با وجود تمام انحصارات غرب، احیاء فرهنگ اسلامی در بین ملل مسلمان در حال نضج‌گیری است. افول قدرت آمریکا و غرب در سیطره بر جهان و احیای روزافزون فرهنگ اسلامی در میان ملل مسلمان، با توجه به بستر جهانی شدن، نقش فرهنگی تمدنی اسلام را به عنوان یک قطب مهم نشان می‌دهد (Jahanbin et al, 2015: 163).

**ژئوپلیتیک جهان اسلام:** جهان اسلام در بر گیرنده محدوده وسیعی است که از ساحل غربی اقیانوس اطلس در آمریکای جنوبی تا حد سواحل غربی اقیانوس آرام در قاره آسیا را در بر گرفته است. این وسعتی که کشورهای اسلامی را در خود جای داده است، از نظر موقعیت جغرافیایی و گستردگی طولی و عرضی دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است و بخش‌های وسیعی از دو قاره آسیا و آفریقا و بخش‌های کوچکی از قاره اروپا و آمریکا را شامل می‌شود (Safavi, 2008: 70). این فراخنای ارضی علاوه بر گستردگی و مزیت‌های ژئوپلیتیکی مختلف، بخش مهمی از راهبردی‌ترین نقاط جهان را نیز در اختیار دارد. خلیج‌های فارس، مالاکا، عدن، توگو، بنگال، سرت، تونس، اسکندرون، ترکیه، مصر، تنگه‌های هرمز، باب‌المندب، جبل الطارق، بسفر و داردانل، کانال سوئز و تنگه موزامبیک که جزء مهم‌ترین نقاط حساس جهان هستند، در میان سرزمین‌های اسلامی قرار دارند. وضعیت سرزمینی جهان اسلام محل تلاقی سه تمدن چین، هند و اروپاست و هم‌چنین در همسایگی قدرت‌های بزرگ چین، روسیه، هند و اروپا قرار دارد (Jahanbin et al, 2015: 159).

مجموعه ۵۷ کشور اسلامی که به طور رسمی عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند به سه گروه: کشورهای آسیایی (جنوبی، جنوب شرقی و مرکزی) کشورهای آفریقایی و گروه کشورهای عربی تقسیم می‌شوند.

ژئواکونومیک جهان اسلام: ارزش حقیقی و واقعی هر کشوری به فراوانی و کیفیت منابع آن کشور بستگی دارد. ثروت یک کشور وابسته به طرز استفاده آن کشور از منابع و تولیدات خود است. منابع طبیعی به عنوان عامل متغیر، ژئوپلیتیک کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این منابع از حیث این‌که اساس قدرت اقتصادی به حساب می‌آیند به طور غیرمستقیم در قدرت نظامی نیز دخالت دارند. در نتیجه در تعیین قدرت سیاسی یک کشور نقش اساسی ایفا می‌کند (Zarqani et al, 2012:4).



شکل (۱): محدوده جغرافیایی جهان اسلام

موقعیت جغرافیایی سیاسی اقتصادی بر اساس نظریه «هارتلند» قابل تبیین است که به مسئله‌ای به نام «قلب زمین» از حیث جغرافیایی تمرکز دارد. براساس این نظریه هر کس که بر هارتلند تسلط داشته باشد در واقع بر جهان تسلط دارد. امروز و برای دهه‌های آتی یکی از قوی‌ترین مناطق برای موقعیت هارتلند منطقه ایران به ویژه شرق ایران است که از شمال تا جنوب بهترین موقعیت بالقوه هارتلندی را داراست (Bayat, 2016:78). از اوایل قرن بیستم به لحاظ کشف و استخراج منابع نفت در سکوی قاره و سرزمین‌های مجاور آن علاوه بر نقشی که از لحاظ نظامی داشت در استراتژی انرژی جهان نیز نقشی تعیین کننده پیدا کرد. پیوستگی خلیج فارس و دریای عمان و پیشرفت تکنولوژی و تغییر استراتژی‌ها موجب گردید که این دو گذرگاه آبی در حکم یک منطقه عملیاتی وارد استراتژی‌ها شود و بدون حفظ امنیت خلیج فارس و دریای عمان امکان اجرای استراتژی‌های باری و بحری به هر شکل غیرممکن گردد.





جفری کمپ با ارائه نظریه بیضی استراتژیک<sup>۱</sup> که تکمیل کننده دو نظریه هارتلند مکیندر و ریملند اسپایکمن هست، معتقد است مجموعه سرزمین های دربرگیرنده خلیج فارس و دریای خزر منطقه ای بیضی شکل انرژی استراتژیک است که سرزمین ایران مانند پلی استراتژیک این دو منبع بزرگ انرژی جهان را به هم پیوند می دهد همان گونه که در شکل های زیر نمایان است (Golshani and Sohrabi,2012:165).



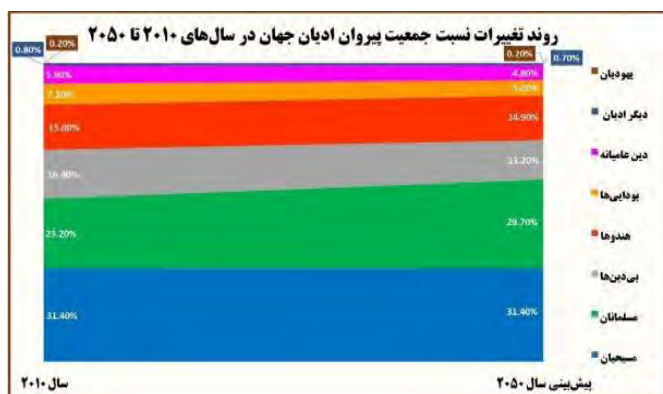
شکل (۳): سهم کشورهای جهان اسلام از ذخایر نفت و گاز جهان

(Source:www.iiwfs.com)

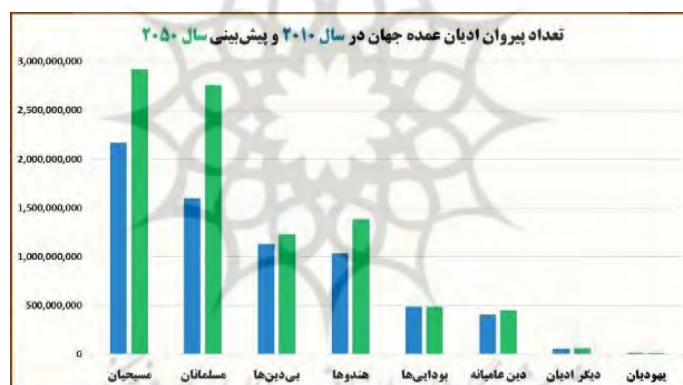
**جمعیت جهان اسلام:** جمعیت کشورهای اسلامی حدود یک میلیارد و پانصد میلیون نفر است. میانگین تراکم نسبی جمعیت در کشورهای اسلامی حدود ۱۱۴ نفر در کیلومتر مربع است و متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت کشورهای اسلامی ۲/۱۶ درصد است. این جمعیت عظیم که حدود یک پنجم جمعیت کره زمین را دربر می گیرد، می تواند بازار گسترده ای از لوازم و منابع مصرفی بین کشورهای اسلامی را فراهم آورد. این قابلیت می تواند با تسهیل مبادلات بین کشورهای اسلامی از قبیل کاهش تعرفه های گمرکی یا پول واحد سریع تر به اهداف مورد نظر نائل آید (Sadeghi et al,2010:4). برآورد جمعیتی مسلمانان حدود ۲۰ درصد جمعیت جهان است. حدود ۶۰ درصد از این جمعیت در یک ساختار ارضی به هم پیوسته در آسیا قرار دارد و مابقی آن در آفریقا، اروپا و سایر نقاط جهان پراکنده است. دو قاره آسیا و آفریقا به صورت گسترده ای تحت تأثیر اسلام و سایر نقاط جهان نیز از این ساخت جمعیت متأثر است. اسلام

هم‌چنین در میان ادیان جهان، دومین جمعیت را داراست و بخش وسیعی از جمعیت آن بسیار جوان و فعال است (Jahanbin et al, 2015: 157).

گزارش‌های جدید منتشر شده توسط مرکز تحقیقات پیو در آمریکا درباره پیروان ادیان و مذاهب مختلف نشان می‌دهد که علی‌رغم گسترش باورهای سکولار و به تبع آن ناخدا باوران (بی‌دین‌ها) در اقصی نقاط جهان، تا سال ۲۰۵۰ میلادی هم‌چنان دو دین اسلام و مسیحیت بیش‌ترین پیروان را در جهان دارا خواهند بود. جالب اینجاست که تا سال ۲۰۵۰ میلادی پیروان آئین اسلام تقریباً برابر با پیروان آئین مسیحیت خواهند شد و هندوها نیز با افزایش قابل توجه جمعیت خود، از تعداد ناخدا باوران پیشی خواهند گرفت. بررسی‌ها و برآوردهای مرکز تحقیقات پیو نشان می‌دهد که در سال ۲۰۵۰ میلادی تعداد پیروان آئین مسیحیت به بیش از ۲ میلیارد و ۹۰۰ میلیون نفر خواهد رسید. با فاصله اندکی از آن‌ها نیز جمعیت مسلمان‌ها (با بیش از ۲ میلیارد و ۷۵۰ میلیون نفر) قرار خواهد گرفت. براساس برآوردهای مرکز تحقیقات پیو، طی بازه زمانی چهل ساله ۲۰۱۰ تا ۲۰۵۰ میلادی در حالی که حدود ۷۴۹ میلیون مسیحی به تعداد پیروان این دین افزوده می‌شود که مسلمانان شاهد افزایشی بیش از ۱ میلیارد و ۱۶۰ میلیونی در بین هم‌کیشان خود خواهند بود. در بین ادیان عمده جهانی، تنها جمعیت بودایی کاهشی یک و نیم میلیونی را تجربه خواهد کرده و از تعداد ۴۸۷ میلیون و ۷۰۰ نفر به ۴۸۶ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر کاهش خواهد یافت. این تغییر جمعیتی به این معنا است که طی بازه زمانی ۴۰ سال منتهی به ۲۰۵۰، جمعیت مسلمانان بیش از ۷۲ درصد افزایش خواهد یافت. پس از آن نیز جمعیت مسیحیان و هندوها هستند که به ترتیب رشدی ۳۴/۵۸ درصدی و ۳۴/۱۲ درصدی را تجربه خواهند کرد. همان‌طور که در نمودار زیر مشاهده می‌شود، نسبت جمعیت مسلمانان به کل جمعیت جهان از ۲۳ درصد به حدود ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت. در حالی که نسبت جمعیتی مسیحیان و هندوها ثابت مانده و حدود سه درصد از جمعیت ناباورانه کاسته شد (www.tasnimnews.com).



شکل (۴): رشد جمعیت جهان اسلام تا سال ۲۰۵۰ میلادی  
(Source: www.tasnimnews.com)



شکل (۵): پیش‌بینی جمعیت ادیان تا سال ۲۰۵۰ میلادی  
(Source: www.tasnimnews.com)

جدول (۱): تنگه‌های راهبردی جهان اسلام

ردیف	نام تنگه	خشکی‌هایی را که از هم جدا می‌کند	آب‌هایی را که از هم جدا می‌کند	دولت‌های ساحلی
۱	هرمز	ایران عمان	دریای خلیج فارس دریای عمان	ایران عمان
۲	داردائل	اروپا ترکیه	دریای اژه مرمره دریای	ترکیه
۳	بسفر	ترکیه اروپایی	دریای سیاه	ترکیه

	ممره دریای	ترکیه آسیایی		
۴	دریای سرخ خلیج عدن	شبه جزیره عربستان جیبوتی	باب المندب	یمن اتیوپی جیبوتی
۵	دریای مدیترانه اقیانوس اطلس	آفریقا اروپا	جبل الطارق	اسپانیا مراکش
۶	اقیانوس هند دریای چین	شبه جزیره مالایا جزیره سوماترا	مالاکا	سنگاپور اندونزی مالزی
۷	دریای مدیترانه دریای سرخ	آفریقا اروپا	سوئز	مصر

(Source:Nami,2013)

**تنگه هرمز:** با حداقل عرض ۵۶ کیلومتر مربع و حداکثر عمق ۱۱۵ متر بین انتهای شمالی کشور عمان و جنوب شرقی عربستان از یک سو و ساحل جنوبی جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر که خلیج فارس را به دریای عمان متصل می‌سازد. تنگه هرمز که خلیج فارس را به دریای عمان و اقیانوس هند متصل می‌کند، از نظر جغرافیایی و اهمیت استراتژیک، مهم‌ترین آبراه مرزی جهان محسوب می‌شود (Nami,2013:27). اهمیت خلیج فارس (و هم‌چنین تنگه هرمز به جهت حمل و نقل انرژی از آن) تنها به دلیل ذخایر نفت و گاز نیست. این منطقه افزون بر صادرات انرژی، یکی از بازارهای مصرفی کالا و خدمات صنعتی نیز می‌باشد. مزیت‌هایی که نفت خلیج فارس دارد، باعث برتری نفت این منطقه نسبت به دیگر نقاط گردیده است، منابع نفت فراوان منطقه، سهولت استخراج، هزینه تولید پایین، مازاد ظرفیت تولید، کیفیت بالای نفت خام منطقه، دسترسی به نقاط کلیدی و سهولت حمل و نقل، توان زیاد چاه‌های نفت و امکان کشف ذخایر جدید نفتی وسیع در مقایسه با سایر نقاط جهان. حدود ۲۳ میلیون بشکه نفت در روز توسط کشورهای حوزه خلیج فارس تولید می‌شود که تقریباً ۲۷ درصد از کل نفت جهان را تشکیل می‌دهد (Salami:http://basirat.ir). قرار گرفتن تنگه هرمز

در مدخل دهلیز جنوبی فلات ایران از نظر ژئواستراتژی اهمیت خاصی دارد و دفاع از ضلع جنوبی فلات مستلزم دفاع از مدخل آن و دفاع از مدخل مستلزم دفاع از تنگه هرمز می‌باشد. دوم اینکه تنگه هرمز، به عنوان یکی از تکیه‌گاه‌های مهم دفاعی شبه جزیره عربستان عمل می‌کند و کنترل آن، دفاع از شبه جزیره را آسان‌تر می‌نماید. ناگفته نماند که تنگه‌های هرمز، باب‌المنذب و کانال سوئز از تکیه‌گاه‌های عمده دفاعی شبه جزیره عربستان محسوب می‌شوند. تنگه هرمز به عنوان مدخل خلیج فارس، امکانات دفاعی مناسبی را ارائه می‌دهد و دفاع از تنگه هرمز بهترین نقطه برای مقابله با نیروهای مهاجم به خلیج فارس است و در واقع امنیت خلیج فارس به دفاع از تنگه هرمز وابسته است. امروزه با توجه به اولویت و اهمیت اقتصاد در صحنه جهانی و ارائه نظریه‌های ژئواکونومیکی، بر اهمیت تنگه هرمز افزوده شده است، به طوری که آن را از این نظر که به قلب اقتصاد جهانی نفت تزریق می‌کند، شاه‌رگ اقتصادی جهان است (Safavi, 2008: 114). جنبه‌های ژئواستراتژی تنگه هرمز به شرح زیر است:

الف) قرار داشتن در مسیر انتقال نفت مورد نیاز غرب.

ب) واقع شدن در ابتدای دهلیز فلات ایران.

ج) تکیه‌گاه دفاعی شبه جزیره عربستان.

د) قرار داشتن در موقعیت مناسب برای ورود قدرت بری به شبه جزیره عربستان.

ه) قرار گرفتن در موقعیت پخش بحران به صحنه عملیات اقیانوس کبیر.

و) موقعیت تنگه هرمز در حاشیه و ریملند.

ز) ایجاد پیوستگی برای نیروی دریایی بحری.

ح) ایجاد تسهیلات تدارک نیرو و لجستیک.

ط) تناسب جغرافیایی و حقوقی تنگه برای واحدهای ویژه دریایی و هوایی.

ی) تنگه هرمز به عنوان مکمل استراتژی بری (Nami, 2013: 63).

**باب‌المنذب:** باب‌المنذب به سبب ایجاد اتصال میان شمال اقیانوس هند با دریای سرخ و دریای مدیترانه در معادلات جهانی یک سرپل استراتژیک مهم برای ارتباط شرق آفریقا، آسیا و

اروپا به شمار می‌رود. تنگه باب‌المنذب و مرزهای آبی آن میان سه کشور یمن، اریتره و جیبوتی مشترک است. عرض این تنگه حدود ۳۰ کیلومتر است که از «رأس منهالی» در یمن شروع شده و تا «رأس سیان» در جیبوتی امتداد می‌یابد و جزیره پریم متعلق به یمن این تنگه را به دو کانال شرقی و غربی تقسیم می‌کند. برآوردهای مختلف حکایت از آن دارد که به صورت سالانه ۲۱ هزار کشتی و روزانه حدود ۳/۸ میلیون بشکه نفت که برابر با ۶ درصد تجارت نفت جهان است از طریق این تنگه و در ترکیب با کانال سوئز جابجا می‌شود. همین نقش تکمیلی باب‌المنذب برای کانال سوئز به کشورهای پیرامونی این تنگه استراتژیک را ایالات متحده آمریکا و متحدان منطقه‌ای این کشور، یعنی عربستان سعودی و مصر اهمیتی ژئوپلیتیک بخشیده است (Rashidi:www.iiwfs.com).

تنگه باب‌المنذب دریای سرخ را به خلیج عدن و اقیانوس هند متصل می‌کند و دو قاره آسیا و آفریقا را از هم جدا می‌کند. پهنای این تنگه حدود ۳۲ کیلومتر است. جزیره پریم این تنگه را به دو گذرگاه بزرگ و کوچک تقسیم می‌کند. از زمان کشیده شدن کانال سوئز در شمال دریای سرخ که آن را به دریای مدیترانه متصل و عبور کشتی‌ها را از اقیانوس هند به اروپا مقدور ساخته است، روز به روز بر اهمیت جهانی باب‌المنذب افزوده شده و اکنون محل عبور تمام نفتکش‌هایی است که از تنگه هرمز گذشته، راه مدیترانه را در پیش می‌گیرند. بندر عدن نزدیک‌ترین منطقه استراتژیک یمن به باب‌المنذب است که در حکم جبل‌الطارق آسیاست و هر نیروی نظامی که بر این منطقه مسلط شود، می‌تواند بر شاخ آفریقا و دریای سرخ استیلا یابد و حتی با بستن تنگه باب‌المنذب، کانال سوئز را بدون استفاده کند. این تنگه از جهت اینکه شاهراه ارتباطی بین مدیترانه و اقیانوس هند است، از لحاظ کشتیرانی بین‌المللی، اهمیت اقتصادی زیادی دارد (Nami,2013:150).

**تنگه مالاکا:** لورنتزو ویتا، در گزارشی نوشت: تنگه‌های راهبردی بی‌شمارند. کافی است به تنگه‌های بسفر، جبل‌الطارق و سوئز بیندیشیم، لیکن برای جنگ‌های آینده بهتر است روی این

سه تنگه متمرکز شویم: تنگه‌ی مالاکا، تنگه‌ی هرمز و باب‌المندب. تنگه‌ی مالاکا یک راه‌روی بسیار باریک است که اقیانوس هند را به اقیانوس آرام متصل می‌کند. در اصل تجارت میان کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس و کشورهای خاور دور به ویژه تجارت نفتی از یک بخش دریایی به طول هشتصد کیلومتر که پهنای آن در برخی جاها حتی به دو و نیم کیلومتر می‌رسد، عبور می‌کند. بنابراین اتفاقی نیست که این تنگه به همراه خلیج عدن از سوی حومه مورد هجوم واقع شده باشد. اما به ویژه اتفاقی نیست اگر عربستان سعودی، هند، چین، ژاپن و کشورهای عضو آسه آن<sup>۱</sup> که متحد آمریکا می‌باشند، همگی علاقمند کنترل این مسیرها باشند و کشور چین به ویژه دقیقاً می‌داند که اگر بخواهد به آفریقا، خلیج فارس و اروپا برسد باید لاجرم از آنجا عبور کند. متحدان آمریکا که همراه با واشنگتن نفع فراوانی دارند که مسیرهای تجاری چین به شکلی دچار اختلال شوند نیز به این آگاهی رسیده‌اند. کشور هند، غولی که تا به امروز خفته بود، ناگزیر است ۵۰ درصد تجارت خود را از طریق تنگه‌ی مالاکا عبور دهد (www.baztab.ir).

از جمله مهم‌ترین آب‌راه‌هایی که در آب‌های مجمع‌الجزایری قرار دارد و از دیرباز مورد توجه قدرت‌های دریایی بوده، تنگه مالاکا می‌باشد. در جنوب شرق آسیا کشورهایی نظیر اندونزی، مالزی، سنگاپور، فیلیپین، لائوس، تایلند، ویتنام و کامبوج قرار دارند که از طریق تنگه‌ها و راه‌های ارتباطی مختلف بین اقیانوس هند و اقیانوس آرام به شبکه ارتباطی و حمل و نقل بین‌المللی مرتبط می‌گردند که مهم‌ترین آنها تنگه مالاکا، سوندا و سنگاپور می‌باشد. قرار گرفتن در یک موقعیت جغرافیایی بین دو اقیانوس، تنگه مالاکا را به یکی از مهم‌ترین شریان‌های ارتباطی جهان تبدیل نموده و بنادر و مراکز تجاری سنگاپور نیز یک موقعیت انحصاری ویژه تجاری به این تنگه بخشیده است. از نقطه نظر جغرافیایی چند عامل خاص در منطقه مالاکا وجود دارد که به این تنگه ویژگی انحصاری می‌بخشد:

الف) ساختمان چند تکه‌ای.

ب) باریکی قابل ملاحظه تنگه‌ها.

ج) ترکیب یافتن از چند دولت ساحلی (Nami,2013:172).

**تنگه بسفر<sup>۱</sup> و داردانل<sup>۲</sup>:** تنگه‌های ترکیه شامل بسفر و داردانل می‌باشد که در دهانه دریای مرمره قرار گرفته و دریای سیاه را به دریای مدیترانه مرتبط می‌سازد. این تنگه‌ها که در قلمرو کشور ترکیه قرار گرفته‌اند، از جمله مهم‌ترین تنگه‌های بین‌المللی به شمار می‌روند؛ زیرا از طرفی تنها راه‌های آبی هستند که به دریای سیاه ارتباط دارند و از طرفی دیگر واجد اهمیت بازرگانی خاصی برای کلیه کشورهای جهان مخصوصاً کشورهای کرانه دریای سیاه (ترکیه، بلغارستان، رومانی و روسیه) می‌باشند. تنگه سفر تنگه‌ای در جنوب شرق اروپا و جنوب غربی آسیا است که دریای سیاه را به دریای مرمره متصل نموده و ترکیه آسیایی را از ترکیه اروپایی جدا می‌کند. تنگه داردانل تنگه‌ای است در شمال غرب ترکیه که بین ترکیه آسیایی و شبه جزیره گالیپولی<sup>۳</sup> در ترکیه اروپایی واقع شده است. این تنگه دریای اژه را به دریای مرمره متصل می‌کند. از این رو یک زنجیره آبی را بین دریای مدیترانه و دریای سیاه تشکیل می‌دهد. این گذرگاه آبی به علت شرایط و موقعیت جغرافیایی خود از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و می‌توان گفت که مهم‌ترین گذرگاه استراتژیک در ناحیه جنوب غربی آسیاست به طوری که عبور تمامی کشتی‌ها از این گذرگاه تنها با اجازه قبلی کشور ترکیه میسر است (Nami,2013:158).

**کانال سوئز<sup>۴</sup>:** آبراه سوئز که در زبان عربی به آن «قنات التیوس» می‌گویند، آبراهی هم سطح با دریاست که از شمال به سمت جنوب باریکه سوئز در کشور آفریقای مصر، حفر شده است و دریاهاى مدیترانه و سرخ را به یکدیگر متصل می‌سازد. پس از حفر این آبراه، دو قاره آفریقا و آسیا که قبلاً از طریق باریکه سوئز به یکدیگر متصل بودند، از هم جدا شدند. این آبراه کوتاه‌ترین راه دریایی بین اروپا و سرزمین‌های ساحلی اقیانوس هند و بخش غربی اقیانوس آرام محسوب می‌شود. آبراه سوئز در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین و

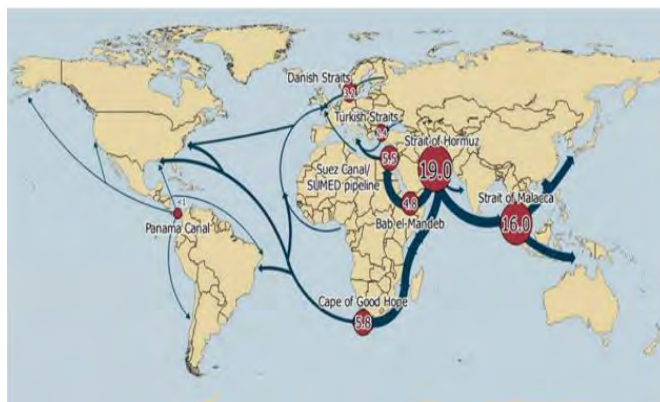
---

1. Strait of Bosphorus  
2. Gibraltar  
3. Galley Polly  
4. Suez Canal



پرتراфик‌ترین خطوط کشتیرانی جهان به شمار می‌آید (Nami,2013:77). بنابراین می‌توان گفت حفر کانال سوئز آثار بسیار مهمی در دنیای تجارت از خود به جای نهاد و به دلیل اینکه چنین تحول بزرگی یک راه جدید بین‌المللی و نیز بسیار کوتاه‌تر از مسیرهای دریایی مورد استفاده را معرفی کرده بود به سرعت هرچه تمام‌تر مورد استفاده کلیه دست اندرکاران حمل و نقل دریایی جهان قرار گرفت. ارتباطات دریایی و تجارت از طریق دریاها، منشأ بسیاری از تحولات در آینده محسوب می‌گردد و بسیاری از کشورهای پیشرفته فقط به مدد استفاده از موقعیت دریایی خود و نیز دخالت مناسب و کارآمد در تجارت دریایی توسعه یافته‌اند. استفاده از کانال سوئز موجب صرفه جویی در زمان و مسافت و در نتیجه کاهش هزینه‌های سوخت شده است. مسافت سفر با عبور از کانال سوئز در مقایسه با عبور از دماغه امیدنیک در جنوب آفریقا بین ۴۰ تا ۵۰ درصد کاهش یافته است. هم‌چنین مدت سفر دریایی از دریای مدیترانه به اقیانوس هند از طریق کانال سوئز بین ۱۷ تا ۱۸ روز کوتاه‌تر از دماغه امیدنیک است (Safavi,2008:109).

**جبل الطارق:** تنگه جبل الطارق دو دریای مدیترانه را در مشرق به اقیانوس اطلس شمالی در مغرب متصل می‌کند و کوتاه‌ترین فاصله میان قاره اروپا و آفریقا است. هم‌چنین به سبب واقع شدن منتهی‌الیه جنوب اسپانیا در شمال و شمال غربی آفریقا در جنوب این تنگه و نیز به سبب اینکه از مهم‌ترین راه‌های آبی دنیا شمرده می‌شود، اهمیت سوق‌الجیشی فراوانی دارد. قسمت عمده سواحل تنگه در شمال متعلق به اسپانیا و در جنوب متعلق به مراکش است. در شکل (۶) آبراه‌هایی که در حوزه کشورهای جهان اسلام است و نقش پر رنگ در ترانزیت کالا و خدمات و در اقتصاد و تجارت بین‌المللی دارد، به خوبی نمایان است.



شکل (۶): مسیر ترانزیت دریایی بین‌المللی

### ۵. نتیجه‌گیری

جهان اسلام بالغ یک پنجم مساحت خشکی‌های زمین را دربر می‌گیرد که از این لحاظ ارتباط بین دریای سیاه و دریای مدیترانه را برقرار می‌سازد و وجود آلبانی در مدخل راه دریایی آدریاتیک و نیز وجود خلیج فارس و دریای عمان که تنها راه رسیدن به آب‌های گرم و آزاد است و بنگلادش در رأس خلیج بنگال و نیز موقعیت جزایر مالدیو و لاکدیو در اقیانوس هند که آنها را به صورت یک دیدبانی طبیعی بر قسمت عمده اقیانوس درآورده است، همه می‌تواند دلایلی بر اهمیت راهبردی کشورهای اسلامی باشد. چنانچه کشورهای اسلامی موقعیت ویژه جغرافیایی خود را در جهان درک نمایند، با رعایت عامل ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک می‌توانند همگرایی و همبستگی میان جهان اسلام را تقویت نمایند و مقدمات تبدیل شدن به یک قدرت اثرگذار جهانی را فراهم کنند.

در مجموعه جهان اسلام علاوه بر توان ژئوپلیتیکی و عمق استراتژیک منطقه‌ای ایران، اقتصادهای مالزی، اندونزی و ترکیه، پشتوانه خوبی برای قدرت‌بخشی به جهان اسلام محسوب می‌شوند. ساختارهای درون تمدنی مثل اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس، اگو، سازمان وحدت اسلامی به علاوه توان هسته‌ای پاکستان در بعد نظامی و ایران در ابعاد غیرنظامی، نقش مناسک حج و نفت عربستان، قدرت نرم منطقه‌ای مصر و مجموعه بسیار گسترده‌ای از دانشمندان جهان و سرمایه‌گذاری فراوان کشورهای اسلامی خصوصاً کلوپ نفتی

در جهان غرب نیز از جمله مؤلفه‌های قدرت این مجموعه است. قطب‌های مختلف در سراسر جهان، به جهات توانایی‌های مختلف، هم سطح شده‌اند و از تأثیری کمابیش نزدیک به هم در سامان‌بخشی به نظام بین‌الملل برخوردارند. یکی از این قطب‌ها که در نظام بین‌الملل آینده صاحب نقش است مجموعه فرهنگی تمدنی جهان اسلام است که به اتکای توانمندی‌های فرهنگی، اقتصادی، استراتژیک و ژئوپلیتیک کشورهای عضو، از ظرفیت کسب یک قطب مستقل در نظام آینده برخوردار است.

## ۶. قدرت‌دانی

«موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است».



## References

1. Abdolmaleki, Hadi; Nizami Pour, Ghadir; Nashiri, Taha (2017). Theory of Civilization as a Strategy for the Realization of Modern Islamic Civilization with Emphasis on Islamic Awakening. The Two Essentials of Modern Islamic Civilization. Volume 1. No 1.[In Persian]
2. Afshardi, Mohammad Hussein; Madani, Seyyed Mustafa (2008). The structure of the regional power system in the Middle East, emphasizing the superior countries of the region. Journal of the Teacher of Humanities.[In Persian]
3. Ahmadi, Seyyed Abbas; Hosseini Nasrabadi, Narges Sadat (2016). The Geopolitical Status of Shiites in the Age of Globalization. Journal of Political Studies in the Islamic World. Year 5. 18.[In Persian]
4. Bayat, Bahram (2016). The geometry of global power and its security and police conditions. Selected Proceedings of the World Conference on the Historical Scale, The Role of the Islamic Republic of Iran in Global Power Geometry. Volume II. Strategic Defense Research Center.[In Persian]
5. Dehghani Firouzabadi, Seyyed Jalal (2008). Identity and Interests in Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran Tehran. Institute for Strategic Studies.[In Persian]
6. Ezzati, Ezzatollah (2009). Geopolitics in the 21st Century. Tehran. Side Publications.[In Persian]
7. Focus on these three straits for future wars. [http // baztab.ir](http://baztab.ir). [In Persian]
8. Ghasemi, Farhad; Einahi Moghaddam, Bahram (2016). The Formation of Anti-Systemic Groups in the Geopolitical Network of the Islamic World. Two Quarterly Journal of Political Sociology of the Islamic World. Volume 4. No 1.[In Persian]
9. Golkarami, Abed; Karimipour, Yadollah; Moataghi, Afshin; Rabiei, Hossein (2017). Geopolitical Explanation of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran with Emphasis on Geoeconomic Capabilities. Journal of Applied Geosciences Research. Year 17. S 49.[In Persian]
10. Golshani, Alireza; Sohrabi, Hamid Reza (2012). Geopolitical Role of the Islamic Republic of Iran in Global Energy Security Based on Strategic Management Model. International Political Quarterly of Islamic Azad University of Shahreza Branch. No. 13.[In Persian]
11. Hafeznia, Mohammad Reza; Ahmadipour, Zahra; Webbey, Chamran (2012). Explaining the Spatial Pattern and Map of the Geopolitical Territories of the Islamic Republic of Iran. Defense Strategy Quarterly, Year 10. No. 39.[In Persian]

12. Huntington, Samuel P (1996). The Clash of Civilizations and the Remaking of World order, New York.
13. Jahanbin, Farzad; Parto, Fathullah (2015). Future Scenarios of the International System and the Status of the Islamic World. Strategic Policy Research Quarterly. Year 4. 13. **[In Persian]**
14. Janahmadi, Fatima (2007). History of Islamic Culture and Civilization, Mohaghegh, Najaf, Mahdi, p. 27, Qom, Ma'arif Publication, First Edition, 2007. **[In Persian]**
15. Luben, Gustav (2008). The History of Islamic and Arab Civilization. Translated by Hashem Hosseini. Tehran. Book Publisher.
16. Mehrabi, Alireza (2016). Geopolitics and National Power of the Islamic Republic of Iran in Global Geometry of Power. Selected Proceedings of the World Conference on the Historical Scale, The Role of the Islamic Republic of Iran in Global Power Geometry. Volume II. Strategic Defense Research Center. **[In Persian]**
17. Montazan, Javid (2016). Geoeconomic capacities of the Islamic Republic of Iran in changing the global geometry of power. Selected Proceedings of the World Conference on the Historical Scale, The Role of the Islamic Republic of Iran in Global Power Geometry. Volume II. Strategic Defense Research Center. **[In Persian]**
18. Mousavi Shafaei, Seyyed Masoud; Shapouri, Mehdi (2011). Dimensions and Consequences of High Risk Zooplankton in Iran. Strategic Studies Quarterly. number 4. **[In Persian]**
19. Muslim and Christian population. How many will be.
20. Nami, Mohammad Hassan (2013). Gorges and Waterways of the World. Tehran. Armed Forces Geographical Organization Publications. **[In Persian]**
21. Rashidi, Younes. The position of the Bab al-Mandeb Strait in the Yemeni crisis. www.iwfs.com.
22. Sadeghi, Ali; Shoushtari, Seyyed Mohammad Javad (2010). Convergence of Islamic Countries, Challenges and Workers. Proceedings of the Fourth Congress of Geographers of the Islamic World. **[In Persian]**
23. Safavi, Seyyed Yahya (2008). Unity of the Islamic World; Future Perspective. Institute for the Future of the Islamic World. Tehran. Shakib Publishing. **[In Persian]**
24. Supreme Leader of the Revolution in a Student Meeting (2014). www.khamenei.ir. **[In Persian]**
25. Taheri, Masoud; Heidari, Gholamhossein; Ezzati, Ezzatollah (2018). Analysis of Global Power Equations in the Geocultural Context; Conflict, Competition or Cooperation. Journal of New Attitudes in Human Geography. **[In Persian]**

26. The Supreme Leader of the Revolution meets with the people of Mashhad at the same time as the New Year's Day (2015). [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir). **[In Persian]**
27. [www.tasnimnews.com](http://www.tasnimnews.com). **[In Persian]**
28. Zargani, Seyyed Hadi; Gholizadeh, Masoumeh (2012). Investigation and Analysis of the Role and Strategic Status of Makran Shores. National Conference on Development of Makran Offshore and Maritime Authority of the Islamic Republic of Iran. **[In Persian]**

